غیر قابل نقد بودن پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) در آیات و روایات

آیت‌الله مدرسی یزدی

آیت‌الله سید محمدرضا مدرسی یزدی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و عضو فقهای شورای نگهبان در ابتدای درس خارج فقه در تاریخ ۹۶/۱۰/۲۶ بااشاره به برخی آیات و روایات و شواهد تاریخی در خصوص مجاز نبودن نقد بر معصومین (ع) نسبت به کسانی که شیوه انتقادگری برخی جاهلان در صدر اسلام از پیامبر و امامان معصوم را الگویی برای عصر حاضر می‌دانند اعتراض و انتقاد کرد. توجه خوانندگان محترم را به این سخنان جلب می کنیم

در نهج‌البلاغه و کتاب کافی و امالی شیخ صدوق و... چنین نقل شده است که وقتی امیرالمؤمنین(ع) به پایان کلامشان در خطبه متّقین رسیدند:فَصَعِقَ هَمّامٌ صَعْقَةً كَانَتْ نَفْسُهُ فِيهَا؛پس همّام بیهوش گشت و در آن بیهوشی جان داد.

بعد از این قضیه امیرالمؤمنین(ع) فرمودند:امَا وَ اللهِ لَقَدْ كُنْتُ أَخَافُهَا عَلَيْهِ؛به خدا قسم از چنین پیشامدی بر او می‌ترسیدم.

و سپس فرمودند:هَكَذَا تَصْنَعُ الْمَوَاعِظُ الْبَالِغَةُ بِأَهْلِهَا؛پندهای رسا با آنان که شنوای آن هستند چنین کند.

در این‌حال یکی از حاضران از حضرت پرسید:فَمَا بَالُكَ يَا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ؟خودت چه حالی داری؟

به اصطلاحِ بعضی، گویا می‌خواست یک نوع نقدی نسبت به حضرت داشته باشد. ظاهراً می‌شود دو وجه برایش ذکر کرد که فعلاً مهم نیست؛ بلکه مهم، پاسخی است که حضرت به او می‌فرمایند:

وَيْحَكَ إِنّ لِكُلِّ أَجَلٍ وَقْتاً لَا يَعْدُوهُ وَ سَبَباً لَا يَتَجَاوَزُهُ؛وای بر تو! هر اجلی را وقت معیّنی است که از آن نمی‌گذرد، و علّتی است که از آن تجاوز نمی‌کند.

سپس فرمودند:فَمَهْلًا لَا تَعُدْ لِمِثْلِهَا؛آرام باش! مثل این را دیگر تکرار نکن.فَإِنّمَا نَفَثَ الشّيْطَانُ عَلَى لِسَانِكَ؛همانا شیطان بود که این حرف را بر زبانت جاری کرد.(الکافی(ط - الإسلامیة)، ج۲، ص۲۳۰؛ الأمالی، ص۵۷۴؛ نهج البلاغة، خطبه۱۹۳، ص۳۰۶)؛ خوب به برخورد حضرت دقّت کنید!

برخورد تند امام علی(ع) بااشعث

باز هم نظیر این مطلب در نهج‌البلاغه وجود دارد؛ روزی حضرت بالای منبر کوفه خطبه می‌خواندند ـ که به حسب آنچه که شارحان گفته‌اند، این خطبه درباره قضایای اجتماعی و سیاسی و نظامی بوده است ـ در این‌حال،اشعث بن قیس (لعنة الله علیه) آنجا خواست که به تعبیر بعضی‌ها نقدی بکند و چنین گفت:هذه علیک لا لک؛این سخن به زیان تو است نه به سودت.

حضرت نگاه تندی به او کردند و فرمودند:مَا يُدْرِيكَ مَا عَلَيّ مِمّا لِي؛تو چه می‌دانی که چه چیزی به سود، یا زیان من است؟

عَلَيْكَ لَعْنَةُ اللهِ وَ لَعْنَةُ اللّاعِنِينَ...؛لعنت خدا و لعنت لعنت کنندگان، بر تو باد!(نهج البلاغة، خطبه۱۹، ص۶۱) ، این هم یکی دیگر از نقدهایی بر معصومین.

باز هم در کتاب شریف نهج‌البلاغه آمده است که شخصی به نام برج بن مُسْهِر طائی در تعریض به امیرالمؤمنین(ع) شعار خوارج را سر داد؛ حضرت در جوابش فرمودند:اسْكُتْ! قَبَحَكَ اللهُ يَا أَثْرَمُ. فَوَاللهِ لَقَدْ ظَهَرَ الْحَقّ فَكُنْتَ فِيهِ ضَئِيلاً شَخْصُكَ خَفِيّاً صَوْتُكَ حَتّى إِذَا نَعَرَ الْبَاطِلُ نَجَمْتَ نُجُومَ قَرْنِ الْمَاعِزِ؛ خاموش باش! خدا تو را بشکند! ای دندان پیشین افتاده؛ به خدا سوگند آنگاه که حق آشکار شد، تو ناتوان بودی و آواز تو آهسته بود و آن‌هنگام که باطل بانگ بر آورد، چونان شاخ بز، سر بر آوردی.(نهج‌البلاغة، خطبه۱۸۴، ص۲۶۸)

برخی مثل شاخ بز می‌مانند، دلشان می‌خواهد شاخ بزنند؛ ملاک که ندارند! اینها نمونه‌هایی است که در کتاب نهج‌البلاغه ما دیدیم که خواسته‌اند مثلاً بر امام معصوم(ع) نقدی وارد کنند.

از این مطلب بالاتر، آنجایی است که به عنوان پیشنهاد و مشاوره، خدمت امیرالمؤمنین(ع) مطلبی را عرضه می‌داشتند؛ مشاوره‌ای که مطلوب است. در این‌حال ببینید حضرت با کسی که توقّع بیجا دارد چگونه برخورد می‌کند؛ آن هم با شخصی مثل عبدالله بن عباس. وقتی ابن عبّاس پیشنهاد و مشاوره‌ای به امام داد حضرت فرمودند:لَكَ أَنْ تُشِيرَ عَلَيّ وَ أَرَى فَإِنْ عَصَيْتُكَ فَأَطِعْنِي؛بر تو است که رأی خود را به من بگویی، و من باید پیرامون آن بیندیشم، آن‌گاه اگر خلاف نظر تو فرمان دادم باید اطاعت کنی.(نهج البلاغة، حکمت۳۲۱، ص۵۳۱)

> **آیا بهتر نیست به جای اینکه تجویز نقد حکومت زمان معصوم و تجویز نقد پیغمبر بکنیم ، یک مقدار هم به طور جدّ، تجویز نقد لائیک‌ها و سکولارها بکنیم؛ نقد افکاری که از ماورای مرزها به روش‌های متعدّد القا می‌شود را تجویز کنیم. آن هم تجویزِ به جدّ نه صوری و نمایشی.**

با آنکه همه می‌دانند حضرت در پذیرش حقّ، هیچ کُندی نداشت:وَ لَا تَظُنّوا بِي اسْتِثْقَالاً فِي حَقّ قِيلَ لِي؛و گمان نکنید که شنیدن سخن حق بر من سنگین است.(نهج البلاغة، خطبه۲۱۶، ص۳۳۶)آیا تسلیم‌تر از حضرت در مقابل حقّ، سراغ دارید؟

تسلیم پیامبر بودن یعنی تسلیم خدا بودن

واقعاً جای تعجب است که برخی یک امر واضح در نزد عموم که دارای ادلّه متعدّدی از کتاب و سنّت است زیر سؤال می‌برند و بلکه معکوس جلوه می‌دهند و تجویز نقد پیامبر(ص) و معصوم(ع)می‌کنند. به آیات قرآن شریف مراجعه کنید! مسلمان کسی است که از هر نظر هم تسلیم خدا باشد و هم تسلیم رسول خدا. اصلاً تسلیم رسول خدا بودنِ یعنی تسلیم خدا بودن:

- مَنْ يُطِعِ الرّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللهَ وَ مَنْ تَوَلّى فَما أَرْسَلْناكَ عَلَيْهِمْ حَفيظاً؛(النساء : ۸۰)؛هر که از پیامبر اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است و آنان‌که سرباز زنند، پس ما تو را به نگهبانی آنها نفرستاده‌ایم.
- إِنْ كُنْتُمْ تُحِبّونَ اللهَ فَاتّبِعُونی يُحْبِبْكُمُ اللهُ؛(آل‌عمران : ۳۱)؛اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا او نیز شما را دوست بدارد.
- يا أَيّهَا الّذينَ آمَنُوا أَطيعُوا اللهَ وَ أَطيعُوا الرّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُم؛(النساء : ۵۹)؛ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولو الامر خویش فرمان برید.

آیا اینها قید دارد؟ آیا "أَطيعُوا الرّسُولَ" قید دارد؟ مطلق است. اصلاً همه پیامبران این‌چنین بودند:

- وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ إِلاّ لِيُطاعَ بِإِذْنِ اللهِ؛(النساء : ۶۴)؛ هیچ پیامبری را نفرستادیم جز آنکه دیگران به امر خدا باید مطیع فرمانِ او شوند.
- وَ ما كانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لا مُؤْمِنَةٍ إِذا قَضَى اللهُ وَ رَسُولُهُ أَمْراً أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلّ ضَلالاً مُبيناً؛(الأحزاب : ۳۶)؛ و هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی حقّ ندارد که چون خداوند و پیامبرش امری فرمایند آنان را در کار خود اختیار باشد؛ و هرکس خداوند و پیامبرش را نافرمانی کند مسلّماً به گمراهی آشکاری گرفتار شده است.

در مقابل حکم خدا و رسول خدا، برای هیچ‌کس حقّ انتخاب نیست حتی در آنچه مربوط به خودشان است.

- فَلا وَ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتّى يُحَكِّمُوكَ فيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمّ لا يَجِدُوا في أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْليماً؛(النساء : ۶۵)؛ به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

می‌فرماید در جانشان هیچ سختی و ناراحتی از حکم تو پیدا نشود؛ چه رسد به اینکه مخالفت زبانی کنند و چه رسد به اینکه مخالفت عملی نمایند.

اصلاً «النّبِيُّ أَوْلى بِالْمُؤْمِنينَ مِنْ أَنْفُسِهِم»(الأحزاب : ۶) یعنی چه؟ اولی است از جان تو به تو. کسی فکر بکند که بیاید در مقابل حضرت ایستادگی کند و بگوید من قبول ندارم. خیلی حرف زشتی است. آیه شریفه: "مَا آتاكُمُ الرّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا"(الحشر۷) دلالتش واضح است. ذیل این آیه شریفه روایات متعدّدی وارد شده است و در یکی از آنها که دارای سند معتبر و متقن است و درکتاب شریف کافی است این چنین آمده است:

إِنّ رَسُولَ اللهِ كَانَ مُسَدّداً مُوَفّقاً مُؤَيّداً بِرُوحِ الْقُدُسِ؛لَا يَزِلّ وَ لَا يُخْطِئُ فِي شَيْءٍ مِمّا يَسُوسُ بِهِ الْخَلْقَ؛ پیامبر خدا(ص) هدایت‌شده و توفیق‌یافته بود و به وسیله روح القُدُس تأیید و کمک می‌شد و در هیچ امری از امور اداره مردم، دچار لغزش و خطا نمی‌شد.(الکافی، ج۱، ص۲۶۶)

رسول خدا(ص)مسدّد و موفّق و مؤیّد به روح القدس بود. این مطلب خیلی جالب است که در هیچ‌چیز از امور اداره مردم یعنی همان امور اجتماعی، هیچ لغزش و خطایی نداشت.

امامان معصوم؛ حجت‌های خدا در روی زمین

در کتاب کافی روایتی از امام (ع) نقل شده است که:نَحْنُ خُزّانُ عِلْمِ اللهِ نَحْنُ تَرَاجِمَةُ أَمْرِ اللهِ نَحْنُ قَوْمٌ مَعْصُومُونَ أَمَرَ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِطَاعَتِنَا وَ نَهَى عَنْ مَعْصِيَتِنَا نَحْنُ الْحُجّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ دُونَ السّمَاءِ وَ فَوْقَ الْأَرْضِ؛ما گنجینه‌داران علم الهی، مترجمان دستور خدا، ما افراد معصومی هستیم که خداوند تبارک و تعالی دستور داده است که همه از ما اطاعت کنند و از نافرمانی ما خودداری نمایند. ماییم حجّت رسای خداوند بر تمام آنچه که زیر آسمان و بالای زمین قرار دارد.(الکافی، ج۱، ص۲۶۹)

اصلاً این لفظ معصوم و چهارده معصوم گفتن در شبانه‌روز برای ما عادی است و تبرک به این اسمای متبرکه جستن کار همیشگی ماست؛ این باور، از همین روایات گرفته شده و تفسیر شده است که معصوم از هر گناه و خطایی هستند و از این‌جهت، به طور مطلق امر به اطاعت و نهی از عصیان آنها شده است.

در کتاب علل الشرایع شیخ صدوق، ج۱، ص۱۲۴ از امام باقر(ع) چنین نقل شده است:هُمُ الْمَعْصُومُونَ الْمُطَهّرُونَ الّذِينَ لَا يُذْنِبُونَ وَ لَا يَعْصُونَ وَ هُمُ الْمُؤَيّدُونَ الْمُوَفّقُونَ الْمُسَدّدُونَ؛ایشان معصوم و پاک هستند (از هر پلیدی و اعمال زشت) و مرتکب هیچ‌گونه گناهی نشده و نمی‌شوند و نافرمانی خدا را نمی‌کنند بلکه مؤیّد من عندالله و در راه و طریق صواب و صلاح می‌باشند.

بِهِمْ يَرْزُقُ اللهُ عِبَادَهُ وَ بِهِمْ تُعْمَرُ بِلَادُهُ وَ بِهِمْ يُنْزِلُ الْقَطْرَ مِنَ السّمَاءِ وَ بِهِمْ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَ بِهِمْ يُمْهِلُ أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَا يُعَجِّلُ عَلَيْهِمْ بِالْعُقُوبَةِ وَ الْعَذَابِ؛و به سبب ایشان خداوند بندگان خود را روزی می‌دهد و شهرهایشان را آباد می‌گرداند و به واسطه آنها باران از آسمان می‌بارد و برکات از زمین خارج می‌شود و به واسطه وجود ایشان است که به گناهکاران مهلت داده شده و تعجیل در عذاب و عقوبت ایشان نمی‌شود.لَا يُفَارِقُهُمْ رُوحُ الْقُدُسِ وَ لَا يُفَارِقُونَهُ وَ لَا يُفَارِقُونَ الْقُرْآنَ وَ لَا يُفَارِقُهُمْ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ؛و روح القدس از ایشان دقیقه و آنی جدا نمی‌گردد و ایشان هم از او جدا نمی‌شوند، و ایشان از قرآن جدا نیستند و قرآن هم از ایشان جدا نیست، صلوات الله علیهم اجمعین.

وعده عذاب برای مخالفت کنندگان باحضرت رسول(ص)

اهل بیت، عِدل قرآن هستند و مصون از خطا و این را از روایات متعدّدی می‌توان استفاده کرد، این از یک طرف؛ و از طرف دیگر، اگر کسانی مخالفت کنند و آیه: "شَاقّوا اللهَ وَ رَسُولَه"(الانفال : ۱۳) بر آنها صادق باشد، ببینید که چه وعده‌های عذابی به ایشان داده شده است. مشاقّه با رسول یعنی در مقابل رسول خدا و شِقّ دیگر قرار گرفتن و مخالف حضرت بودن:

- وَ مَنْ يُشاقِقِ الرّسُولَ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيّنَ لَهُ الْهُدى وَ يَتّبِعْ غَيْرَ سَبيلِ الْمُؤْمِنينَ نُوَلِّهِ ما تَوَلّى وَ نُصْلِهِ جَهَنّمَ وَ ساءَتْ مَصيراً؛ (النساء : ۱۱۵)؛ کسی‌که بعد از آشکار شدن حقّ، با پیامبر مخالفت کند و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، ما او را به همان راه که می‌رود می‌بریم و به دوزخ داخل می‌کنیم؛ و جایگاه بدی دارد.

همچنین خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:فَلْيَحْذَرِ الّذينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصيبَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ؛(النور: ۶۳) پس آنان‌که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه‌ای دامنشان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد.

باید حَذَر کنند کسانی‌که با امر پیامبر خدا مخالفت می‌کنند؛ مفسّرین نوعاً ضمیر «أَمْرِه» را به پیامبر اکرم(ص) بر می‌گردانند. در روایتی از امام صادق(ع) چنین آمده است:إِنّكُمْ قَدْ رَأَيْتُمْ أَنّ اللهَ عَزّوَجَلّ لَمْ يَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ النّاسِ فِي خِلَافِنَا خَيْراً إِنّ اللهَ عَزّوَجَلّ يَقُولُ "فَلْيَحْذَرِ الّذِينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ"؛شما به خوبی دیده‌اید که خدای عزّوجلّ برای هیچ‌کس در مخالفت با ما خیری قرار نداد، همانا خدای عزّوجلّ می‌فرماید: « پس آنان‌که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از این‌که فتنه‌ای دامنشان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد.»(الکافی، ج۸، ص۸۸)

خداوند متعال برای هیچ‌کس در مخالفتِ با ما و رسولش خیری قرار نداده است

آن وقت کسانی بیایند و نقد کردن و مخالفت در حکومت معصوم(ع) و در مقابل پیامبراکرم(ص) را که اساس عصمت است تجویز کنند! واقعاً جای تأمّل است. چه انگیزه‌ای باعث چنین افکار و سخنانی می‌شود؟ اگر کسی یک مقدار تعهّد داشته یا یک مقدار به مسائل اجتماعی توجّه داشته باشد، چنین مطلب واضح دینی و مورد قبول عامّه ـ چه رسد به اهل فن و متخصصین در مسائل ـ را زیر سؤال نمی‌برد، چه رسد به اینکه آن را معکوس جلوه دهد! واقعاً باید تحلیل شود. چرا چنین کاری از کسی سر می‌زند؟ به چه انگیزه‌ای؟ از جهل است؟ از عدم تعهّد است؟ از القائات دشمنان است؟ و یا ترکیبی از اینهاست؟ علاجش چیست و چگونه باید جبران بشود؟ یک امر واضحی که این همه آیات و روایات درباره آن وجود دارد و امری که مورد قبول همه است، معکوس جلوه داده شود!؟

> **این لفظ معصوم و چهارده معصوم گفتن در شبانه‌روز برای ما عادی است و تبرک به این اسمای متبرکه جستن کار همیشگی ماست؛ این باور، از همین روایات گرفته شده و تفسیر شده است که امامان، معصوم از هر گناه و خطایی هستند و از این‌جهت، به طور مطلق امر به اطاعت و نهی از عصیان آنها شده است.**

باید به مثل این افراد، نصیحت کرد که هرچه دیگران به دهنتان می‌گذارند تکرار نکنید و هرچه را که در گوشتان می‌خوانند باور نکنید. از امام حسن مجتبی(ع) چنین نقل شده است:عَجَبٌ لِمَنْ يَتَفَكّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيُجَنّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ؛شگفتا از کسی‌که در آنچه می‌خورد فکر کرده و می‌اندیشد، چگونه در آنچه باید بفهمد و بداند نمی‌اندیشد؛ پس همانا شکمش را از آنچه به آن اذیّت و آزار می‌رساند باز داشته و دور می‌گرداند و سینه‌اش را می‌سپارد به آنچه آن را هلاک و تباه می‌سازد.(بحار الأنوار، ج۱، ص۲۱۸)

شگفتا از کسی‌که در خوردنی‌های خودش فکر می‌کند که آیا عاری از باکتری مضرّ و سموم مضرّه هست؟ و...؛ اما آنچه که به ذهنش القا می‌کنند، بدون برآورد و بررسی دقیق و کارشناسانه بپذیرد و بعد طوطی صفت، تکرار کند. وقتی که در یک مسئله مهمّ و اساسی در اسلام چنین واقعه‌ای اتفاق می‌افتد ،آن وقت ببینید در مسائلی که این حسّاسیت را ندارد چه خبر است؟ در مسائل سیاسی، حقوقی، اقتصادی و در روابط بین‌الملل؛ چرا آدم این نقدی را که باید برای مصالح مردم و بخصوص در مقابل بیگانگان به کار ببرد نابجا به کار ببرد؟ آیا بهتر نیست به جای اینکه تجویز نقد حکومت زمان معصوم و تجویز نقد پیغمبر بکنیم یک مقدار هم به طور جدّ، تجویز نقد لائیک‌ها و سکولارها بکنیم؛ نقد افکاری که از ماورای مرزها به روش‌های متعدّد القا می‌شود را تجویز کنیم. آن هم تجویزِ به جدّ نه صوری و نمایشی. وقتی تجویز جدّی بکنیم، باید یک مقدار هم در اعمال و گفتار و تصمیماتمان اثر بگذارد. اگر بناست که ما فقط نقد را تجویز کنیم امّا هیچ اثری نداشته باشد و نه پاسخ درست و نه عمل درستی طبق نقد داشته باشیم، آن وقت چه می‌شود؟

> **اگر ما گوش شنوایی نسبت به نقد داشتیم و همه باید نقد بشوند آیا واقعاً در این اجتماع ما ناقدی خبیرتر، دلسوزتر و عالم‌تر از رهبر معظم انقلاب(دام ظلّه)سراغ داریم؟ چقدر در سال‌های اخیر و نیز قبلش در زمینه‌های مختلف، دلسوزانه، مشفقانه و عالمانه نقد و نصیحت کردند و مشورت دادند. چقدر به این نصیحت‌ها و راه‌حل‌ها عمل شد؟ چقدر آنها در رفتار ما تأثیر داشت. آیا به اندازه کافی تأثیر داشت؟ اگر تأثیر داشت چرا باید رهبر معظم انقلاب در آن بیانشان‌اشاره بفرمایند که بیش از اینکه علنی تذکّر داده‌ام تذکّرات و اوقات تلخی‌ها در مجالس خصوصی بوده است.**

اگر ما گوش شنوایی نسبت به نقد داشتیم و همه باید نقد بشوند آیا واقعاً در این اجتماع ما ناقدی خبیرتر، دلسوزتر و عالم‌تر از رهبر معظم انقلاب(دام ظلّه)سراغ داریم؟ چقدر در سال‌های اخیر و نیز قبلش در زمینه‌های مختلف، دلسوزانه، مشفقانه و عالمانه نقد و نصیحت کردند و مشورت دادند. چقدر به این نصیحت‌ها و راه‌حل‌ها عمل شد؟ چقدر آنها در رفتار ما تأثیر داشت. آیا به اندازه کافی تأثیر داشت؟ اگر تأثیر داشت چرا باید رهبر معظم انقلاب در آن بیانشان‌اشاره بفرمایند که بیش از اینکه علنی تذکّرِ داده‌ام تذکّرات و اوقات تلخی‌ها در مجالس خصوصی بوده است. کسی‌که واقعاً استوانه حلم و تحمّل و صبر است، چرا باید تذکّری را که همراه با اوقات تلخی باشد بدهد؟ یعنی به آن تذکّرات، ترتیب اثر داده نشده است.

شعار اینکه نقد باید باشد و دلسوزانه باید باشد و گوش شنوا باید باشد، اثرش کجاست؟ این همه نقد دلسوزانه‌ای که مراجع و حوزه‌های علمیّه و جامعه مدرّسین و آحاد مردم داشتند، چقدرش عمل شد؟ و چقدرش هباء منثورا شد؟

امیدواریم که خداوند متعال همه ما را متنبّه کند و گفتار و کردارمان هردو بر محور حقّ باشد و فعلمان تصدیق گفتارمان کند:انّمَا شِيعَةُ عَلِيّ مَنْ صَدّقَ قَوْلَهُ فِعْلُهُ؛ مؤمن و شیعه امیرالمؤمنین علی(ع) کسی است که کردارش، گفتارش را تصدیق کند.(الکافی، ج۸، ص۲۲۸)

چگونه عربی کنکور سراسری را ۱۰۰ درصد زدم؟!!!

"چگونه در پنج بار" عربی کنکور سراسری را صد در صد زدم؟!

من را می‌شناسید؟! من سعید زلوجی جوکار هستم! همون کسی که معدل ۱۳ داشت همه بهش می‌گفتن نمیتونی نتیجه بگیری! همون کسی که رتبه ۱ استان شد! ۵ بار در کنکور سراسری عربی را صددرصد زد و در ۱۸ سالگی کتاب نوشت و جوانترین مولف عربی کنکور ایران شد!!!

زمانی را یادم می‌آید که درس خواندن را دوست نداشتم و کنکور برایم سخت بود و مثل خیلی از داوطلبان استرس زیادی داشتم!

اما شاید سؤال کنید پس چگونه توانستی رتبه ۱ استان شوی و عربی را صددرصد بزنی؟! بعد از اینکه با استاد حسین احمدی آشنا شدم و DVD های آموزشی و برنامه‌ریزی درسی از ایشان گرفتم نگرشم نسبت به کنکور عوض شد و چون شاگرد مستقیم استاد بودم تمام تکنیک‌های تست‌زنی را یاد گرفتم و براحتی در کنکور سراسری ۸۹ عربی را ۱۰۰٪ زدم و بعد از اینکه عکس و مصاحبه‌ام در مجلات چاپ شد عده‌ای از روی حسادت به اداره ارشاد تلفنی گفته بودند که این مصاحبه‌ها دروغ و تبلیغات است و همین باعث شد که همراه استاد احمدی به اداره ارشاد برویم و من در آنجا اصل کارنامه را نشان دادم و در آنجا از من تقدیر شد و به من پیشنهاد شد که کتابی بنویسم برای داوطلبان کنکور و تجربیات خودم را منتقل کنم و من علاوه بر نوشتن کتاب تصمیم گرفتم سال بعد هم در کنکور سراسری ۹۰ شرکت کنم و به همه ثابت کنم که تکنیک‌های اصیل را بلدم! سال بعد دوباره شرکت کردم و باز هم عربی کنکور سراسری را صددرصد زدم! بعد از آن توانستم این تکنیک‌ها را به داوطلبان کنکور آموزش دهم و چندین داوطلب را به رتبه‌های برتر کنکور برسانم که نمونه بارز آنها خانم فاطمه محسنی از کرمانشاه بود که از رتبه ۱۲۰ هزار به رتبه ۴ کنکور و ۸ کل کشور رسید با برنامه‌ریزی و مشاوره بنده! اگرچه بعضی‌ها می‌گفتند که این تکنیک‌ها قدیمی شده و در کنکور سراسری ۹۴ جواب نمی‌دهد ولی من تصمیم گرفتم در کنکور ۹۴ شرکت کنم و به همه ثابت کنم که نه تنها این تکنیک‌ها قدیمی نشده بلکه قوی‌ترین و به‌روزترین تکنیک‌های موجود است و هرکسی که این تکنیک‌ها را بلد باشد براحتی می‌تواند به درصد ۱۰۰ برسد. به لطف خداوند بنده در کنکور سراسری ۹۴ توانستم سه بار با هم عربی عمومی انسانی و عربی اختصاصی انسانی و عربی رشته هنر را صددرصد بزنم و در مجموع در درس عربی ۵ صده باشم و رکوردشکنی کنم! البته این [illegible] استاد احمدی که عربی را ۶ بار در ارشد دانشگاه تهران ۲۰ گرفته بود و من هم تلاشم را کردم و به لطف خداوند به این موفقیت رسیدم. من خودم تکنیک‌های تست زنی عربی را از کتاب عربی صد درصد در ۵ جلسه (مولف: استاد حسین احمدی) یاد گرفتم و پیشنهاد می‌کنم که همه داوطلبان این کتاب و DVD های همراه آن را تهیه کنند تا به درصد صد برسند و خود بنده هم با نظارت علمی استاد احمدی کتاب عربی پایه تا پیش را نوشتم و چندین DVD آموزشی تقدیم به [illegible] عربی تدریس کردم که شما داوطلبان عزیز می‌توانید از هر نقطه ایران آنها را از استاد احمدی تهیه کنید. (با تشکر: سعید زلوجی جوکار)

اصل کارنامه های آقای جوکار که ۵ بار عربی کنکور سراسری را ۱۰۰٪ زده

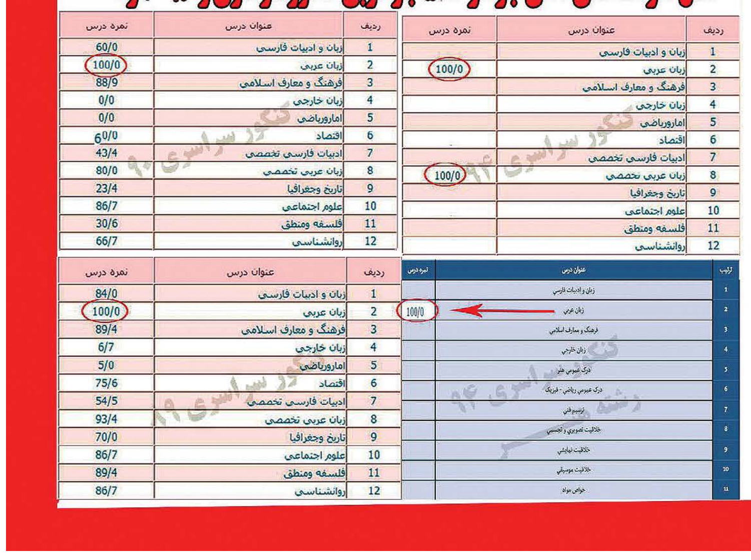

ردیف	عنوان درس	نمره درس
1	زبان و ادبیات فارسی	60/0
2	زبان عربی	100/0
3	فرهنگ و معارف اسلامی	88/9
4	زبان خارجی	0/0
5	امارو ریاضی	0/0
6	اقتصاد	60/0
7	ادبیات فارسی تخصصی	43/4
8	زبان عربی تخصصی	80/0
9	تاریخ وجغرافیا	23/4
10	علوم اجتماعی	86/7
11	فلسفه ومنطق	30/6
12	روانشناسی	66/7

ردیف	عنوان درس	نمره درس
1	زبان و ادبیات فارسی	
2	زبان عربی	100/0
3	فرهنگ و معارف اسلامی	
4	زبان خارجی	
5	امارو ریاضی	
6	اقتصاد	
7	ادبیات فارسی تخصصی	
8	زبان عربی تخصصی	100/0
9	تاریخ وجغرافیا	
10	علوم اجتماعی	
11	فلسفه ومنطق	
12	روانشناسی	

ردیف	عنوان درس	نمره درس
1	زبان و ادبیات فارسی	84/0
2	زبان عربی	100/0
3	فرهنگ و معارف اسلامی	89/4
4	زبان خارجی	6/7
5	امارو ریاضی	5/0
6	اقتصاد	75/6
7	ادبیات فارسی تخصصی	54/5
8	زبان عربی تخصصی	93/4
9	تاریخ وجغرافیا	70/0
10	علوم اجتماعی	86/7
11	فلسفه ومنطق	89/4
12	روانشناسی	86/7

ترتیب	عنوان درس	نمره درس
1	زبان و ادبیات فارسی	
2	زبان عربی	100/0
3	فرهنگ و معارف اسلامی	
4	زبان خارجی	
5	درک عمومی هنر	
6	درک عمومی ریاضی - فیزیک	
7	ترسیم فنی	
8	خلاقیت تصویری و تجسمی	
9	خلاقیت نمایشی	
10	خلاقیت موسیقی	
11	خواص مواد	

عربی صد درصد
در ۵ جلسه

جهت خرید محصول و ارتباط با استاد حسین احمدی

تماس: ۰۲ ۵۷ ۱۹۶ ۰۹۱۲
۵۶ ۹۶ ۱۰۰ ۰۹۱۲

پیامک: ۰۲ ۵۸ ۱۹۶ ۰۹۱۲

تلفن‌های دفتر مرکزی: ۶۶۴۰۹۰۹۰-۰۲۱
۶۶۴۰۹۰۰۷-۰۲۱

۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲

گیلنا

آن‌قدر افتادم و افتادم تا عاقبت جلو افتادم

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشاور و برنامه‌ریز کنکور از ایران / دارای مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان: والنسیای اسپانیا inted2009/ رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه برتر مهندسی از دانشگاه تهران / تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتابها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه ریز رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۳ تا به امروز/بنیانگذار برنامه‌های رادیو تلویزیونی **«کنکور آسان است»، «درس خواندن آسان است»، «طعم مطالعه»، مدیر مسئول گیلنا و رمز زندگی**

سلام به همه دوستان عزیز من هژیر امیری هستم پسری از دیار بوکان آن جا که نه خبر از کلاس‌های خصوصی و نه همایش‌های آنچنانی است. می‌خواهم داستان قبول شدنم را برایتان بگویم تا شما عزیزان هم راه درست را پیش بروید. روزی که تصمیم گرفتم خوب درس بخوانم شور و شوق زیادی داشتم، کتاب‌های زیادی خریدم، آزمون شرکت کردم و شروع به درس خواندن کردم. خیلی زود فهمیدم مسیرم نادرست است و از این راه موفق نمی‌شوم. یادگیری کتاب‌ها سخت بود و من در دنیایی از نکات غوطه‌ور بودم و هر کس پیشنهادی به من می‌داد. بالاخره تصمیم گرفتم با مشاور پیش بروم. اما هر مشاوری که می‌رفتم بیش از پیش به این باور منفی می‌رسیدم که من نمی‌توانم قبول شوم. همه می‌گفتند با این معدل کم و امتحانات نهایی که تمام نمراتت فقط در حد قبولی است و تازه ۲ تجدیدی هم که داری دیگر فکر پزشکی را کنار بگذار. من مانده بودم و تمام آرزوهایم که حس می‌کردم باید برای همیشه کنار گذاشته شوند اما خداوند راهی را جلو من گذاشت که زندگیم متحول شد، به‌طور اتفاقی و از طریق مجله با استاد حسین احمدی آشنا شدم.

اول فکر می‌کردم ایشان همه مثل بقیه از دیدن معدل من و با توجه به زمان کم باقیمانده با سردی و ناامیدی با من رفتار می‌کنند.

اما اولین باری که با استاد حسین احمدی تماس گرفتم، پشت گوشی صدای پر از امیدشان را شنیدم هنوز خوب یادم است که با یک جمله تمام زندگیم را عوض کردند. آن جا بود که فهمیدم یک استاد بزرگ و تمام معنا با بقیه چقدر متفاوت است. استاد حتی با اطلاع از شرایط من گفتند می‌توانی و در این راه کمک کردند که ابتدا به این باور برسم و بعد از آن با منابع مناسب و فوق‌العاده تحولی بی‌نظیر در من ایجاد شد.

اولین بار که DVD های قرابت معنایی را گرفتم و بعد از دیدنش تست‌زنی انجام دادم، از پیشرفتم آن‌چنان هیجان‌زده شده بودم که این بار عاشق مطالعه کردن شدم. من با معدل پایین و زمان کم با استفاده از منابع مناسب و برنامه‌ریزی بی‌نظیری که خود استاد احمدی برایم انجام دادند توانستم به آرزویم یعنی پوشیدن لباس مقدس پزشکی برسم. هرگز زحمات ناجی زندگیم (استاد احمدی) را فراموش نخواهم کرد. درست زمانی که همه گفتند نمی‌شود، ایشان به من راه موفقیت را نشان دادند و با بهترین منابع و بهترین برنامه من را در مدت زمان کوتاهی به اوج رساندند.

استاد عزیزم صدای گرم و پرانرژیت، باورهای زیبایت و زحماتی که برای من کشیدید را هرگز فراموش نمی‌کنم. من و خیلی از بچه‌های ایران زمین زندگیشان را مدیون شما هستند. ممنون بابت تمام زحماتتون

ارتباط تلفنی با استاد حسین احمدی ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲

ارتباط پیامکی با استاد حسین احمدی ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶

ارتباط تلفنی با استاد حسین احمدی ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ از طریق پیامک ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶

گیلنا: گروه یادیارسازان لوح‌های فشرده نشر احمدی

تلفن‌های دفتر مرکزی: ۶۶۴۰۹۰۰۷ - ۰۲۱ ۶۶۴۰۹۰۹۰ - ۰۲۱